

بررسی کیفیت تصمیم‌گیری حزب جمهوری‌خواه آمریکا در تقابل با ج.ا.ایران (مطالعه موردی دولت ترامپ)

وحید شبیانی^۱، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

چکیده

پیروزی حزب جمهوری‌خواه و روی کار آمدن دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶م. زوایای آشکار و پنهانی را در عرصه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پدید آورد. نوع زمامداری ترامپ سبب گردید تا در تمایز با اسلاف خود در احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه، از خصایص قابل‌توجهی برخوردار شود. این مطالعه با تمسک بر نظریه پیوستگی جیمز روزنا و با روش توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که: «کیفیت تصمیم‌گیری حزب جمهوری‌خواه آمریکا تحت رهبری ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و قدرت تأثیرگذاری هر یک از آن‌ها چه اندازه است؟» فرضیه اصلی پژوهش حاضر آن است که با توجه به متغیرهای فردی، نقش، اجتماع، حکومت و نظام بین‌الملل تا حدود زیادی می‌توان از طریق مدل پیوستگی جیمز روزنا، نوع نگاه و تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران را تشریح کرد. یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از: اول؛ هر یک از پنج عامل نظریه پیوستگی می‌توانند به‌عنوان یک عامل علی در سیاست خارجی در نظر گرفته شوند. دوم؛ به دلیل تقوّ و رجحان عوامل فردی، انگیزشی و نوع خاص جهان‌بینی ترامپ، سایر عوامل علی‌رغم اهمیت‌شان در مرتبه پایین‌تری از کیفیت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر عرصه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا قرار گرفته‌اند. سوم؛ بر این اساس، سیاست خارجی آمریکا به عرصه‌ای برای تشدید بی‌نظمی در نظام بین‌الملل و چالش‌های ساختاری-حاکمیتی در ایالات متحده تعین یافته است.

واژگان کلیدی: دونالد ترامپ، حزب جمهوری‌خواه، نظریه پیوستگی جیمز روزنا، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ج.ا.ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: vahid_sheybani@aut.ac.ir

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ج.ا.ایران.

رایانامه: Dr.h.falahatpisheh@gmail.com



۱. مقدمه

انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا به دلیل نقش محوری این کشور در سیاست جهانی برای دیگر کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از کشورهای جهان محتوای مبارزات انتخاباتی این کشور را رصد می‌کنند؛ زیرا رقابت یک نامزد در جهت‌گیری سیاست خارجی بسیار تأثیرگذار است.

کمپین‌های تبلیغاتی در ایالات متحده، طیف گسترده‌ای از مسائل سیاست داخلی و خارجی را در بر می‌گیرند که از طریق کانال‌های ادراکی خاص برای افکار عمومی منعکس می‌شوند. کاندیداها در کارزار انتخاباتی به‌منظور جمع‌آوری اعتبار انتخاباتی برای کالج‌های انتخاباتی ایالتی، به بیان تهدیدها و فرصت‌ها در سیاست خارجی می‌پردازند. سیاست خارجی آمریکا در درجه اول بر تدوین تهدیدهای خارجی برای امنیت و رفاه شهروندان آمریکایی تمرکز دارد. در این زمینه، ج.ا.ایران یکی از کشورهای است که در سیاست خارجی آمریکا اهمیت زیادی دارد و همیشه به‌صورت تهدیدآمیز به تصویر کشیده شده است. بدین‌سان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که به سرنگونی محمدرضاشاه به‌عنوان متحد آمریکا منجر شد، نامزدهای آمریکایی، ج.ا.ایران را به‌عنوان یک بازیگر تهدیدکننده معرفی می‌کنند که ارزش‌ها و منافع ایالات متحده و متحدانش را در خاورمیانه به مخاطره می‌اندازد. نمایش تهدیدآمیز و نامطلوب از رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران، برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های خصمانه آمریکا در قبال ایران انجام می‌شود (عباسی خوشکار^۱، ۲۰۲۱: ۶۳ و ۶۶).

ازاین‌رو آمریکا به بهانه‌های مختلف نظیر اقدامات تروریستی، فعالیت‌های ستیزه‌جویانه و قدرت استراتژیک در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م. تحریم‌هایی علیه ایران اعمال کرد. در اواسط دهه ۲۰۰۰م. تحریم‌های بین‌المللی ایالات متحده علیه ج.ا.ایران، عمدتاً بر موضوع تضمین اهداف غیرنظامی برنامه هسته‌ای ایران تمرکز داشت؛ به‌طوری‌که جامعه بین‌المللی

از سال ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۵م. همکاری نزدیکی برای پیگیری این موضوع داشت تا ج.ا.ایران برنامه هسته‌ای خود را محدود کند.

اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا، با هدف آسیب رساندن به اقتصاد ج.ا.ایران اعمال شد؛ به عرصه‌ای برای کاهش صادرات نفت و مشکلات پرداخت ارز حاصل از فروش نفت ایران تعیین یافت. ارزش پول ج.ا.ایران روند نزولی به خود پیدا کرد و ناآرامی‌های اقتصادی تداوم یافت، البته نه به آن حدی که نظام مورد تهدید قرار گیرد.

باین وجود، سیاست خارجی آمریکا در قبال ج.ا.ایران، بر اساس سطوح خرد و کلان قابل بررسی است. عده‌ای از پژوهشگران در تبیین سیاست خارجی این کشور بر نقش نخبگان و کارگزاران سیاسی ایالات متحده آمریکا مانند رؤسای جمهور آن تمرکز و تأکید دارند. در این دیدگاه، با توجه به اقتضائات هر یک از احزاب مسلط اعم از دموکرات و جمهوری‌خواه، نگاه به درون یا بیرون از مرزهای ملی در تأمین منافع ملی مؤثر است. عده‌ای دیگر از پژوهشگران نیز بر متغیر نظام بین‌الملل جهت تبیین سیاست خارجی آمریکا به‌ویژه بر تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، چین و اتحادیه اروپا تأکید دارند.

علاوه بر این، مؤلفه‌ای که در درگیری بین ایالات متحده و ج.ا.ایران باید مورد توجه قرار بگیرد، جنبه روانی این موضوع است. درواقع، روانشناسی فردی و جمعی نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به درگیری بین ایالات متحده و ج.ا.ایران ایفا می‌کند. بنابر استدلال «هربرت کلمن»^۱ طبیعت تعارض بین‌المللی، فرایندهای روانی در سطوح فردی و جمعی را دربرمی‌گیرد که بیشتر رفتار ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و واسطه می‌شود. تعارض به‌جای اینکه به‌طور کامل از طریق نیازها و ترس‌های جمعی هدایت شود، محصول محاسبه منطقی منافع ملی عینی در بخشی از تصمیم‌سازان است. «گری سیک»^۲ استدلال می‌کند که؛ «تصویر منعکس‌شده ایرانیان از ایالات متحده به‌عنوان «شیطان بزرگ»، تأثیرات خود را بر رسانه‌ها، کنگره ایالات متحده، مردم و در نگرش‌های بوروکرات‌های سطح پایین‌تر گذاشته است (جوردت^۳، ۲۰۰۲: ۴۸).

1. Herbert C. Kelman

2. Gary Sick

3. Jorget

با روی کار آمدن «دونالد ترامپ»^۱ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶م. سیاست‌های خصمانه ایالات متحده در قبال ج.ا.ایران تداوم یافت. یکی از اهداف کلیدی سیاست خارجی ترامپ در دوران انتخابات، ایجاد کمپینی برای بازنشانی، تشدید و به حداکثر رساندن سیاست‌های مقابله با ج.ا.ایران بود (خان و زمان^۲، ۲۰۱۸: ۶۵) که به عرصه‌ای برای تحریم‌های شدیدتر چندجانبه بین‌المللی علیه ایران تبدیل شد.

این مسائل بررسی فرایند تصمیم‌گیری تقابلات و راهبردهای سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال ج.ا.ایران را ضروری می‌سازد. در شکل‌گیری اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها علیه ج.ا.ایران، عوامل و متغیرهای متعددی در سطوح داخلی و خارجی بر سیاست خارجی آمریکا تأثیرگذار هستند. شناخت کیفیت تأثیرگذاری هریک از این متغیرها در تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا، می‌تواند برنامه آینده‌نگرانه‌ای را پیش‌روی دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ایران، به‌منظور ارائه راه‌حل‌هایی جهت کاهش آسیب‌پذیری قرار دهد.

از این رو، در مقاله حاضر نوع نگاه و تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا در قبال ج.ا.ایران در زمان دونالد ترامپ با تمسک به «نظریه پیوستگی»^۳ «جیمز روزنا»^۴ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ این امر تاکنون با ساختارمندی و جزئیات دقیق بررسی نشده است. در این مقاله به دو دلیل مهم از نظریه جیمز روزنا استفاده شده است:

❖ اول؛ این نظریه بخاطر نگاه چندعلتی همه ابعاد تدوین یک سیاست خارجی را در نظر می‌گیرد.

❖ دوم؛ این نظریه علاوه بر عوامل خارجی که به‌طور سنتی نوعی سلطه در تحلیل سیاست و رفتار دولت‌ها در عرصه خارجی ایجاد کرده، از بررسی تأثیر عوامل داخلی یک دولت چشم‌پوشی نکرده و توأمان متغیرهای داخلی و خارجی را مورد توجه قرار داده است.

-
1. Donald John Trump
 2. Khan and Zaman
 3. Continuity Theory
 4. James N. Rosenau

متغیرهای مندرج در این نظریه ممکن است از نظر حدّت و شدّت، اهمیت گوناگونی داشته باشند. به عبارت دیگر، شاهد تأثیرگذاری بیشتر یا کمتر یک یا چند متغیر نسبت به متغیرهای دیگر خواهیم بود. موضوعی که می‌تواند ضمن درک سیاست خارجی آمریکا در برابر ج.ا.ایران، دریچه‌ای نو برای سیاست‌گذاری و شکل‌دهی به روابط خارجی و تأمین امنیت در برابر تهدیدها ایجاد کند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نظریه پیوستگی جیمز روزنا

مطالعه سیاست خارجی با کثرت دیدگاه‌های نظری به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات همراه است. این دیدگاه‌ها ضمن تبیین رفتار دولت‌ها در عرصه نظام بین‌الملل، به محققان چارچوبی ارائه می‌کنند که از طریق آن می‌توانند پیچیدگی تصمیم‌گیری سیاست خارجی را تجزیه و تحلیل کنند (سنادیرا^۱، ۲۰۲۳: ۵). در این مقاله از نظریه پیوستگی جیمز روزنا به‌مثابه ترکیب دو سطح تحلیل خرد و کلان جهت بررسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران بهره گرفته می‌شود. از نظر روش‌شناختی، چارچوب مفهومی روزنا برای توضیح تغییر پویایی‌ها در اولویت قرار گرفت، اولیوی که وی برای بهبود و ارزشمندی پدیده‌های خرد قائل بود (گل^۲، ۲۰۱۱: ۱).

با توجه به اینکه، نظریه روزنا در مطالعات سیاست خارجی یک نظریه عمومی تلقی می‌شود، پتانسیل عملیاتی برای بررسی دوره زمامداری ترامپ را دارد. بر اساس این نظریه، ایالات متحده آمریکا نیز همانند دیگر دولت‌ها در سطح جهان، در یک چارچوب داخلی و فرایند سیاست‌گذاری خارجی عمل می‌کند. به اعتقاد روزنا، رفتار سیاسی دولت‌ها در سیاست‌گذاری خارجی به عوامل زیر مربوط می‌شود:

❖ متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده؛

❖ نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیری؛

❖ متغیر بوروکراسی دولت؛

1. Senadeera

2. Gül

❖ متغیر اجتماع؛

❖ متغیر نظام بین‌المللی (روزنا، ۱۹۷۱: ۹۸).

۱-۱-۲. علل رفتار دولت‌ها در سیاست‌گذاری خارجی از دیدگاه جیمز روزنا

علل رفتار سیاسی دولت‌ها در نظام بین‌الملل بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا در قسمت ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۱-۱-۲. متغیر فردی

منظور از متغیر فردی، «ویژگی‌های منحصربه‌فرد تصمیم‌گیرندگان است که تعیین می‌کند سیاست‌های خارجی یک ملت چگونه اجرا شوند». این متغیر تمام جنبه‌های یک تصمیم‌گیرنده مانند ارزش‌ها، استعدادها و تجربه‌های قبلی او را در بر می‌گیرد. از این منظر، انتخاب‌ها یا رفتارهای سیاست خارجی هر فرد با انتخاب‌های هر تصمیم‌گیرنده دیگری متفاوت است (روزنا، ۲۰۰۶: ۲۰۰).

میزان نفوذ ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرنده به صلاحیت نهادها و درجه سیستماتیک بودن نظام سیاسی بستگی دارد؛ هرچه قدر سیستم منسجم‌تر می‌شود، نقش شخصیت‌ها کاهش می‌یابد و برعکس در جوامعی که نهادها در آن‌ها ابتدایی هستند، نقش شخصیت‌ها افزایش می‌یابد (حسن‌پور دهنوی و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۴).

۱-۱-۲-۲. متغیر نقش

بر اساس این متغیر، کارگزاران دولتی با توجه به مناصب و پست‌های سازمانی که در حکومت برعهده دارند، نسبت به موضوعی از خود واکنش نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، مسئولان به واسطه هنجارهای حقوقی وظایف و مسئولیت‌ها با محدودیت‌های رفتاری مواجه هستند که بر جهان‌بینی فرد و تصمیم‌گیری‌های او در عرصه سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد (روزنا، ۱۹۷۱: ۱۰۸).

به اعتقاد روزنا (۱۹۸۷) افرادی که تصمیمات سیاست خارجی را اتخاذ می‌کنند، در نتیجه انتظارات نقشی متناقض که از سوی آن‌ها ایجاد می‌شود و موقعیت آن‌ها در سیستم‌های اجتماعی خصوصی، نهادهای دولتی، جامعه داخلی بزرگ‌تر و تعامل آن‌ها در واحد تصمیم‌گیری برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها را انتخاب می‌کند، فشار زیادی را تجربه خواهند کرد (تیس^۱، ۲۰۰۹: ۷).

۳-۱-۲. متغیرهای بوروکراتیک

این متغیر به جنبه‌های ساختاری دولت اشاره دارد. ساختار پیچیده یک دولت، روابط سازمان‌های بین دولتی و کارشناسان در یک سازمان، پیشنهادات و خطوط کلی تصمیم‌گیری سیاست خارجی را تدوین و ارائه می‌کند. در سیستم‌های بوروکراتیک گسترده دولت‌های غربی، این عامل و متغیر شایع‌تر است (حسن‌پور دهنوی و همکاران، ۲۰۲۱: ۴). در این راستا، روابط بین دو ارگان دولتی-اجرایی و قانونگذاری-بسیار مهم است. به عبارت دیگر، متغیرهای دولتی در ابزارهای سیاست، متمرکز است و سازندگان برای دستیابی به اهداف خاص در امور خارجی استفاده می‌کنند یا احتمالاً استفاده می‌کنند (مارلکو^۲، ۲۰۱۳: ۲۹۱).

۴-۱-۲. متغیر جامعه یا اجتماع

این متغیر ابعاد غیردولتی یک جامعه را دربرمی‌گیرد که بر رفتار بیرونی تأثیر می‌گذارند. جهت‌گیری‌های ارزشی جامعه، میزان وحدت ملی و درجه صنعتی‌شدن متغیرهایی هستند که در تعیین محتوای خارجی یک کشور، آرمان‌ها و سیاست‌ها نقش دارند. این متغیر، مجموعه‌ای از عوامل و منابعی را که بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند، مورد بررسی قرار می‌دهد. نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، حزبی و گروه‌های نفوذ در این فرایند از جمله عوامل مهم محسوب می‌شوند. در کشورهای دموکراتیک، سیاست خارجی کشور متأثر از نظام حزبی و شرایط احزاب به‌عنوان بازیگران مرتبط با سیاست خارجی است؛ اما میزان اهمیت آن‌ها به شرایط جامعه و الزامات خاص آن و به‌ویژه افکار عمومی بستگی

1. Thies

2. Marleku

دارد که به‌عنوان یک عنصر مستقل درصدد تأثیرگذاری بر سیاست خارجی هستند (حسن‌پور دهنوی و همکاران، ۲۰۲۱: ۵).

۵-۱-۱-۲. متغیر سیستم بین‌المللی

این متغیر جنبه‌های انسانی و غیرانسانی محیط بیرونی یک جامعه یا هر عملی که در خارج از کشور صورت می‌گیرد را شامل می‌شود و گزینه‌های سیاست خارجی تصمیم‌گیرندگان را مشروط می‌کند (روزنا، ۱۹۷۱: ۱۰۹). از نظر روزنا متغیرهای سیستمی می‌توانند تصمیمات و اقدامات مقامات سیاست خارجی را متأثر از «واقعیت‌های» جغرافیایی و چالش‌های ایدئولوژیک ناشی از تهاجم بالقوه، شکل دهند. درنتیجه، رفتار و کنش‌های یک حالت خاص در خارج از کشور، تحت تأثیر اقدامات سایر کشورها و وضعیت موجود در نظام بین‌المللی قرار دارد (مارلکو، ۲۰۱۳: ۲۹۲).

روزنا در رویکرد پیشنهادی خود درصدد ارزیابی تأثیر هر یک از عوامل داخلی و بین‌المللی در تدوین و اجرای سیاست خارجی با ارائه نوعی تبیین علی در سیاست خارجی است. به اعتقاد او گزینه‌ها و دایره‌های انتخاب و فعالیت‌های تصمیم‌گیران تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

- ❖ هنجارهای فرهنگی؛
- ❖ تاریخ‌ها و سنت‌های تاریخی؛
- ❖ خواسته‌های ناشی از نظام‌های داخلی و خارجی (حسن‌پور دهنوی و همکاران، ۲۰۲۱: ۴).

فرضیه اصلی مقاله حاضر آن است که با توجه به این متغیرها تا حدودی می‌توان از طریق مدل پیوستگی جیمز روزنا، نوع نگاه و تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران را تشریح کرد. هر یک از پنج عامل موردنظر روزنا می‌توانند به‌عنوان یک عامل علی در سیاست خارجی در نظر گرفته شوند. همان‌طور که روزنا تأکید می‌کند، سیاست پسابین‌المللی توسط پویایی‌های سطح کلان و خرد شکل می‌گیرد و تصور یکی غیر از دیگری ممکن نیست. تغییرات در ساختارهای کلان، فرایندها و مجموعه‌ها بر

رویکردهای خرد تأثیر می‌گذارند و بازیگران از دستورالعمل‌های مؤسسات کلان پیروی می‌کنند؛ این تغییرات در حالت‌های انطباق به تغییرات بیشتر در پدیده‌های کلان منجر می‌شود (گل، ۲۰۱۱: ۷).

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و قابلیت بهره‌برداری برای دستگاه دیپلماسی را دارد. از لحاظ رویکردی، کیفی و روش پژوهش آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. سیاست خارجی و کیفیت تصمیم‌گیری حزب جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران

سیاست خارجی به دلیل تأثیری که بر بقا، توسعه، ثبات و امنیت کشور می‌گذارد، حائز اهمیت است. در این زمینه، افراد، مؤسسات و سازمان‌های مختلف، نقش‌های متفاوتی در نظام‌های سیاسی ایفا می‌کنند (کریمی‌فرد^۱، ۲۰۲۱: ۲۵۷). یکی از دیدگاه‌های سیاست خارجی، تعامل پیچیده جهت‌گیری بین دولت‌ها، تعهدات و برنامه‌های عملی و رفتار نسبت به سایر کشورها است. از این منظر، روزنا (۱۹۷۶) استدلال می‌کند که سیاست خارجی شامل موارد زیر است:

❖ خوشه‌ای از جهت‌گیری‌ها؛

❖ مجموعه‌ای از تعهدات و برنامه‌های عملی؛

❖ شکل رفتار دولت‌ها.

خوشه‌ای از جهت‌گیری به نگرش‌ها، ادراکات و ارزش‌هایی که از تاریخ دولت ناشی می‌شود، اشاره دارد. تجربه و شرایط استراتژیک که جایگاه دولت در سیاست جهانی را مشخص می‌کند؛ به‌عنوان راهنما برای مقامات دولتی در شرایط خارجی که مجبور به

تصمیم‌گیری می‌باشند، عمل می‌کند. به عبارت دیگر، این‌ها اصول زیربنایی رفتار دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌المللی هستند.

تعهدات و برنامه‌ریزی، هر دو به عنوان اقدامات جهت‌دهنده عمل می‌کنند و شامل استراتژی‌های کلان، تصمیمات واقعی و سیاست‌های قابل مشاهده‌ای هستند که در پاسخ به محیط اتخاذ می‌شوند.

رفتار به مرحله تجربی سیاست خارجی که از مراحل مشخص یا فعالیت‌هایی که جهت‌گیری‌های سیاست خارجی را می‌توان مشاهده کرد، تشکیل شده، اشاره دارد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی به عنوان زاویه رفتار خارجی دولت‌ها ظاهر می‌شود (دوگیس^۱، ۲۰۰۸: ۱۰۱).

اندیشمندان روابط بین‌الملل برای مدت طولانی از سطح سیستم تحلیلی حمایت می‌کردند و دولت را یک بازیگر واحد انتزاعی به حساب می‌آوردند. بر اساس این رویکرد، مطالعه بر روی رهبران یا تصمیم‌گیرندگان لازم نیست؛ زیرا در نهایت عوامل ساختاری بر رفتار افراد چیره می‌شوند. اخیراً تحلیل سیاست خارجی و تلاش برای درک رهبران بر سطح فردی متمرکز شده است. با این حال باید به این نکته توجه داشت که تصمیم‌گیرندگان در متن و زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند و تصمیم‌گیرندگان انسانی در ساختارهای داخلی و بین‌المللی تعبیه شده‌اند (برونینگ^۲، ۲۰۲۲: ۸۱). از این رو، استدلال می‌شود که سیاست خارجی یک اقدام هدف‌گرا توسط دولت‌های قدرتمند نسبت به نهادهای خارج از مرزهای دولتی (اعم از بازیگران دولتی یا غیردولتی) است که به وضوح، کیفیت فراگیر سیاست خارجی دولت را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی چیزی نیست که ثابت تلقی شود، بلکه تمایل به تغییر دارد تا به اهداف خود برسد (دوگیس، ۲۰۰۸: ۱۰۲-۱۰۳).

سیاست خارجی آمریکا همیشه با تداوم و تغییر شکل گرفته است. نامزدهای احزاب مختلف اغلب سیاست‌های بی‌نظیر، متفاوت و مخالف سیاست‌های خروجی پیشینیان خود اتخاذ کردند که به پیامدهای فاجعه‌بار برای سیاست‌های داخلی و بین‌المللی منجر شده

1. Dugis

2. Breuning

است (خان و زمانی، ۲۰۱۸: ۶۶). حملات ۱۱ سپتامبر، «اراده» آمریکا را با سیاست تغییر نظام علیه دولت‌هایی که برای منافع ملی ایالات متحده تهدید تلقی می‌شدند، تقویت کرد. علاوه بر این، در لباس صدور ارزش‌های لیبرال-پیکیری «برنامه آزادی»- ایالات متحده برای دموکراتیک کردن خاورمیانه اقداماتی انجام داده است.

دولت بوش اعلام کرد کشورهای ایران، عراق و کره شمالی به‌عنوان «محور شرارت»، به سمت تغییر رژیم رفتند. این دولت، سیاست جنگ‌طلبانه‌تری را در پیش گرفت و ایالات متحده را یک قدرت جهانی می‌دانست که به‌عنوان رهبر جهان عمل می‌کند. اما دولت او باما خویشتن‌داری راهبردی نشان داد. این دولت بیشتر به متحدان خود متکی بود و محدودیت‌های نقش جهانی ایالات متحده را درک کرد و سیاست محدودی اتخاذ نمود. پرزیدنت ترامپ، اگرچه آشکارا یک رهبر جنگ‌طلب بود، اما از درگیر کردن ایالات متحده در جنگ‌های خارج از کشور اجتناب کرد و بیشتر بر بزرگ کردن دوباره آمریکا تمرکز نمود (میرزا و نایب^۱، ۲۰۲۰: ۳۰۷). انتخاب‌های کابینه ترامپ و موارد اخیر لفاظی و محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی که وی با آن روبه‌رو شد، نشان می‌دهد که سیاست خارجی او اصول سنتی جمهوری‌خواهی (البته در انتهای طیف محافظه‌کار) را دنبال می‌کند (شاه‌محمدی و همکاران^۲، ۲۰۱۹: ۷).

در این راستا، روابط ایران و آمریکا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران عمدتاً خصمانه بوده است. مقامات ایالات متحده و گزارش‌های رسمی این کشور، حمایت ج.ا.ایران از گروه‌های مسلح شبه‌نظامی منطقه خاورمیانه را شناسایی می‌کنند که تهدیدی مهم برای منافع ایالات متحده و متحدان آن است (کاتزمن^۳، ۲۰۲۰: ۱). اما نحوه و کیفیت رفتار هر یک از دو حزب مسلط بر سیاست آمریکا در قبال ج.ا.ایران متفاوت بوده است. در نظرسنجی «گالوپ»^۴ در سال ۲۰۱۹م. درحالی‌که ۱۱ درصد از دموکرات‌ها به استفاده از گزینه نظامی برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران تمایل داشتند، ۲۵ درصد از

1. Mirza and Nayab

2. Shahmohammadi and et.al.

3. Katzman

4. Gallup

جمهوری‌خواهان نسبت به این مسئله نگاه مثبت داشتند. به عبارت دیگر، جنگ‌طلبی علیه ج.ا.ایران در میان جمهوری‌خواهان بیش از دو برابر اعضای حزب دموکرات بوده است (عباسی خوشکار، ۲۰۲۱: ۷۰).

مقایسه سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ایالات متحده نشان می‌دهد که جمهوری‌خواهان از همکاری‌های چندجانبه خودداری کرده و ابتکارات یکجانبه را ترجیح می‌دهند. از این‌رو، به نظر می‌رسد که آن‌ها با فرایندهای نهادهای بین‌المللی و تعهدات ناشی از توافقات بین‌المللی دوجانبه و چندجانبه همکاری ندارند (کمال و یازجی، ۲۰۲۰: ۶۸). موضوعی که به خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای موسوم به «برجام»^۲ منجر شد و به عرصه‌ای برای درپیش گرفتن سیاست «فشار حداکثری» توسط جمهوری‌خواهان در قبال ج.ا.ایران که در ایدئولوژی جمهوری‌خواه جکسون ریشه داشت، تبدیل شد. تحریم و تهدیدهای نظامی، مهم‌ترین ابزار رویکرد فشار حداکثری هستند. ابزار سخت‌افزاری در چارچوب تهدید حمله نظامی و تحریم‌های اقتصادی در چارچوب نرم‌افزاری همیشه روی میز تصمیم‌گیرندگان جمهوری‌خواه و دموکرات بوده است؛ به‌طوری‌که ایالات متحده آمریکا، ج.ا.ایران را ۳۵ مرتبه تحریم کرده که یازده مورد آن در زمان جمهوری‌خواهان صورت گرفت (عباسی خوشکار، ۲۰۲۱: ۶۹-۷۰).

۱-۴. شیوه و عملکرد سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال ج.ا.ایران

منشأ مطالعه مدرن رهبران در پروفایل‌های روان‌شناختی آن‌ها است. به عبارتی دیگر، محققان برای تصمیم‌گیرندگان فردی درصد درک شخصی ویژگی‌ها، باورها، نگرش‌ها و یا شناخت‌ها هستند؛ زیرا این موارد بینشی را در مورد دیدگاه یک رهبر نسبت به جهان ارائه می‌کنند. این بینش به‌نوبه خود به درک یا پیش‌بینی تعریف رهبر از موقعیت و مسیر ترجیحی عمل کمک می‌کند (برونینگ، ۲۰۲۲: ۸۵). با توجه به این موضوع، اصول مهم رویکرد سیاست خارجی ترامپ به شرح زیر است:

1. Kemal and Yazıcı

۲. برنامه جامع اقدام مشترک

اول؛ اصل «نخست آمریکا»^۱ است. این اصل نشان می‌دهد که چشم‌انداز ترامپ ملی‌گرایانه است، جایی که منافع ملی باید تنها راهنمای اقدام ایالات متحده در جهان باشد و این منافع به صورت محدود تعریف شده است.

دوم؛ ترویج ناسیونالیسم که تداعی‌گر رد «جهانی‌گرایی» و نخبگانی است که به طور مداوم، تعهدات خارجی آمریکا را گسترش داده و با معاهدات بین‌المللی موافقت کرده‌اند. در این زمینه، در سطوح تجاری یا امنیتی، ایالات متحده قربانی «معاملات بد» با کشورهای دیگر است؛ به‌ویژه از نظر تأمین امنیت متحدانی که به اندازه کافی روی آن‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.

سوم؛ ترامپ دیدگاهی از معاملات سیاست خارجی را افشا کرده که به موجب آن، اگر به تجارت امور بین‌الملل مرتبط نباشد، یک ملاحظه ثانویه به نظر می‌رسد. ترامپ، خودش را به عنوان یک مذاکره‌کننده بسیار خوب و سرسخت به تصویر می‌کشد که استخراج بهترین معاملات جهانی برای ایالات متحده وجود دارد که با احترام همراه است.

چهارم؛ رئیس‌جمهور منتخب تأکید زیادی در مورد نیاز به بازگرداندن قدرت نظامی ایالات متحده کرده که چندین سال با کاهش بودجه مواجه بوده است (شاه‌محمدی، ۲۰۱۹: ۸).

با در نظر گرفتن این اصول، سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده برای سال ۲۰۱۷م. به شدت تحت تأثیر جو منفی ملی‌گرایی آمریکا قرار داشت. این سند درصدد نشان دادن هدف خود مبنی بر تقویت قدرت ملی آمریکا از طریق رویکرد تهاجمی بود. در این سند علاوه بر پرداختن به ج.ا.ایران، دامنه تهدیدات آمریکا علیه کشورهایی مانند چین و روسیه نیز افزایش یافت. ایالات متحده آمریکا در دولت‌های متفاوت عرصه‌های مختلفی از جمله نظام انقلابی ج.ا.ایران، روسیه، چین، کره شمالی، مبارزه با تروریسم و ... را مدنظر قرار داده است. یکی از نکات قابل توجه سند امنیت ملی سال ۲۰۱۷م. پوشش تفصیلی آن از ج.ا.ایران نسبت به اسناد گذشته است. در این سند، ایران و تهدیدات منطقه‌ای آن، دوازده

مرتبه ذکر شده است؛ جملاتی که در این سند ادعا شده عبارت‌اند از: فعالیت‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران، حمایت از گروه‌های شیعه، برنامه موشکی و هسته‌ای ایران.

در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده (۲۰۱۷) موارد زیر به‌مثابه پیشنهاداتی برای مقابله با ج.ا.ایران در نظر گرفته شده است:

❖ جستجو برای استقرار سامانه‌های دفاعی موشکی علیه ج.ا.ایران و ایجاد بازدارندگی علیه این کشور؛

❖ برخورد با گروه‌های مورد حمایت ج.ا.ایران از جمله حزب‌الله؛

❖ کاهش نفوذ و محدود کردن حضور ج.ا.ایران در منطقه.

بر اساس این سند توازن منطقه‌ای به ضرر ایالات متحده آمریکا در حال تغییر است و آمریکا با قدرت‌های اروپایی برای مقابله با تهدیدات جهانی از جمله ج.ا.ایران همکاری خواهد کرد (عباسی خوشکار، ۲۰۲۱: ۶۶-۶۷).

یک موضوع مهم و مرتبط با سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ، سیاست آن در مقایسه با دولت اوباما نسبت به ج.ا.ایران است. سیاست‌های دولت اوباما در قبال خاورمیانه و به‌ویژه ج.ا.ایران مورد انتقاد جدی دونالد ترامپ قرار گرفت. او در طول مبارزات انتخاباتی خود به شدت از اوباما به دلیل تجارت با ج.ا.ایران در مورد موضوع هسته‌ای که به شکل‌گیری برجام و توافق هسته‌ای میان ایران و غرب منجر شد، انتقاد کرد (خان و زمان، ۲۰۱۸: ۶۶). سیاست تعامل دولت باراک اوباما با ج.ا.ایران توسط دولت دونالد ترامپ، به‌واسطه دو استراتژی مختلف زیر لغو گردید:

❖ عوامل توانمندساز داخلی و خارجی؛

❖ محدودیت‌هایی که بخشی از هر فرایند سیاست خارجی هستند (نازاره، ۲۰۱۹).

درواقع، استراتژی جدید رویکرد امنیت ملی ترامپ در سال ۲۰۱۷م. با انتقاد از رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، به‌نوعی نگران مداخله‌گرایی جهانی غیرمسئولانه است که در آن باید از رفاه آمریکا محافظت شود و اقتصادهای خارجی به‌عنوان رقیب و نه شرکای استراتژی در نظر گرفته شوند مانند موارد زیر:

- ❖ مهار ج.ا.ایران و حمایت از سیاست‌های تهاجمی نسبت به این کشور؛
- ❖ حمایت از خروج ایالات متحده از برخی معاهدات ناعادلانه (شاه‌محمدی و همکاران، ۲۰۱۹: ۳).

با این حال، ایالات متحده جهت دستیابی به منافع ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خود، تغییر نظام سیاسی از طریق مداخلات آشکار یا پنهان خارجی در انتخابات کشورهای خارجی و حمایت از کودتا - تقریباً در هر منطقه از جهان به‌ویژه ج.ا.ایران - در پیش گرفته است (میرزا و نایب، ۲۰۲۰: ۳۰۷). به گونه‌ای که یکی از اهداف کلیدی سیاست خارجی ترامپ در دوران انتخابات، کمپینی برای بازنشانی، تشدید و به حداکثر رساندن سیاست‌های مقابله با ج.ا.ایران بود (خان و زمان، ۲۰۱۸: ۶۵). ترامپ به‌عنوان نامزد انتخابات در سال ۲۰۱۶ بیان کرد: «اولویت شماره یک من برچیدن توافق فاجعه‌بار با ایران است» (توماس^۱، ۲۰۲۳: ۳).

از ماه می ۲۰۱۹م. تنش‌های ایالات متحده آمریکا و ج.ا.ایران به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و پس از آن به درگیری تبدیل شد. نیروهای ارتش آمریکا «قاسم سلیمانی»، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ج.ا.ایران را به شهادت رساندند. در سال ۲۰۱۸م. دولت ترامپ از توافق هسته‌ای چندجانبه ج.ا.ایران (برجام) خارج گردید و از اواسط سال ۲۰۱۹م. در کمپین اعمال «فشار حداکثری» بر ج.ا.ایران چندین گام برداشته است (کاتزمن، ۲۰۲۰: ۱).

به نظر کاتزمن، ترامپ با خروج خود از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های اقتصادی مقابله با ج.ا.ایران را شروع کرده است. بنابراین، ترامپ از سیاست مقابله با هدف مهار و انزوای ج.ا.ایران (از طریق مشروعیت خلع سلاح) پیروی کرد (کاتزمن، ۲۰۱۹: ۲۱) چرا که توافق هسته‌ای، محدودیت‌هایی برای برنامه موشکی بالستیک ج.ا.ایران و حمایت این کشور از گروه‌های شبه‌نظامی در سراسر منطقه در نظر نگرفته بود (میرزا و نایب، ۲۰۲۰: ۳۱۱). در پاسخ به کمپین فشار حداکثری، ج.ا.ایران به تأسیسات مورد استفاده پرسنل نظامی آمریکا در عراق حمله کرد و یک فروند هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی را سرنگون

نمود. علاوه بر این، ج.ا.ایران به عنوان بخشی از تلاشی که رهبران نظام آن را «مقاومت حداکثری» می‌نامند، انطباق با مفاد برجام را کاهش داد (کاتزمن، ۲۰۲۰: ۱). به طور کلی، سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال ج.ا.ایران از سه قطب نشئت می‌گیرد:

❖ قطب اول؛ «مشروعیت‌زدایی» با تمرکز بر به اصطلاح کمک به تروریسم و توسعه سیستم موشکی بالستیک آن بوده است؛

❖ قطب دوم؛ «تحریم» با اعمال تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه ج.ا.ایران نمود یافت؛

❖ قطب سوم؛ «کنترل» ج.ا.ایران با تشویق سیاست‌های امارات و عربستان سعودی و اسرائیل همراه بوده است (آلکارو^۱، ۲۰۱۸: ۹-۶).

هر سه مورد با هدف محدود کردن نقش ج.ا.ایران در منطقه مورد توجه بوده است. علی‌رغم پایبندی کامل ج.ا.ایران به برجام و تضمین آرانس بین‌المللی انرژی اتمی، تصمیم ترامپ در خروج از توافق عمدتاً به دلیل تمایل او به عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است. در این رابطه، واشنگتن سیاست قدیمی مهار خود را برای عقب راندن ج.ا.ایران، احیا کرد (اصغر^۲، ۲۰۱۹: ۴۴). دولت ترامپ از کاستی‌های برجام انتقاد کرد و با بازگشت به سیاست‌های قبلی که به دنبال تضعیف استراتژیک ج.ا.ایران بودند، در ۸ مه ۲۰۱۸ م. تعهدات ذیل برجام را متوقف و اعمال مجدد تمامی تحریم‌های ایالات متحده را اجرا کرد. هدف اعلام‌شده دولت ترامپ در سیاست «فشار حداکثری» بر ج.ا.ایران این بود که این کشور را مجبور به تغییر رفتار از جمله مذاکره برای توافق هسته‌ای جدید کند (کاتزمن، ۲۰۲۱) این مسئله دو شکل اصلی داشت:

۱. تحریم‌های اضافی؛

۲. اقدام نظامی محدود (توماس، ۲۰۲۳: ۳).

خروج یک‌طرفه از توافق برجام و پیگیری استراتژی فشار حداکثری از طریق آغاز «جنگ هیبریدی»^۱ با ج.ا.ایران، هدفی بود که ترامپ تلاش می‌کرد تا تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ج.ا.ایران پدید آید. در این راستا، هدف از مذاکرات مطلوب ترامپ نیز تغییر رفتار ج.ا.ایران، هم‌زمان در سه حوزه هسته‌ای، موشکی و نفوذ منطقه‌ای بوده است (عباسی خوشکار، ۲۰۲۱: ۷۰). از این منظر، وی معافیت ۹۰ روزه تحریم علیه تهران را نپذیرفت و شروع به اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه طرف ایرانی کرد. این تحریم‌های اقتصادی ابتدا بخش‌های اقتصادی غیرنفتی و تجارت ارز را هدف قرار داد. پس از آن، بسته دوم تحریم‌ها شامل بنادر ج.ا.ایران، بخش انرژی و شرکت‌های خریدار نفت ایران بوده است (خلف،^۲ ۲۰۲۰: ۶). بر اساس مطالب ذکرشده، مختصات سیاست خارجی ترامپ در قبال ج.ا.ایران عبارت‌اند از:

❖ سودمندگرایی؛

❖ تهاجم محوری؛

❖ عمل‌گرایی.

وظیفه اصلی تحلیلگر سیاست خارجی ارائه توضیح در مورد روش‌هایی است که دولت‌ها از طریق آن برای تغییر یا موفقیت در تغییر رفتار کشورهای دیگر تلاش می‌کنند (دوگیس، ۲۰۰۸: ۱۰۱). با توجه به این موضوع، به نظر می‌رسد که در طول سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران، تمام متغیرهای فردی، نقش، حکومت، اجتماع و نظام بین‌الملل بسیار حائز اهمیت و تأثیرگذار بوده‌اند. در قسمت ذیل با توجه به نظریه پیوستگی روزنا به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت تا به درک عمیق‌تری نسبت به اضلاع مختلف و تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت ترامپ نسبت به ج.ا.ایران دست یابیم.

۲-۴. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت ترامپ نسبت به ج.ا.ایران بر اساس نظریه جیمز روزنا

۱-۲-۴. ویژگی‌ها و نگرش فردی ترامپ نسبت به ج.ا.ایران

تلاش برای درک موقعیت (و جهان) از منظر تصمیم‌گیرنده مبتنی بر این پذیرش است که عقلانیت انسانی تنها محدود به «محدودیت‌های تحمیل‌شده به واسطه موقعیت خارجی و ظرفیت‌های تصمیم‌گیرنده» نیست، بلکه دلایل انگیزشی نیز تأثیرگذار هستند؛ می‌توان استدلال کرد که؛ «رهبران و سران کشورها به‌طور مداوم تحت تأثیر عوامل برون‌زا قرار نمی‌گیرند» (برونینگ، ۲۰۲۲: ۸۱ و ۸۴).

پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶م. ایالات متحده آمریکا کاملاً تکان‌دهنده بود. او حتی در بین مردم رأی‌دهنده در مقایسه با سایر جمهوری‌خواهان برجسته محبوبیت نداشت و جهت‌گیری سیاسی او از نظر افکار عمومی عدم قطعیت بود (عبدیل^۱، ۲۰۲۰: ۱۷). ترامپ بسیاری از غرایز غریلیبرالی را که مشخصه رهبران ضد دموکراتیک در اروپای مرکزی است مانند افزایش ترس از فرسایش دموکراتیک را به نمایش گذاشت. همان‌طور که «استیون لویتسکی» و «دانیل زیبلات» در کتاب خود اشاره کرده‌اند، ترامپ براحتی از یک «آزمون تور نسلی برای خودکامگان» عبور می‌کند: «او رسانه‌های غیردوستانه را تهدید کرده، قوانین بازی دموکراتیک را زیر سؤال برده است، مشروعیت مخالفان سیاسی خود را انکار کرد و حتی در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خود، خشونت را تشویق کرد» (برچنماخر^۲، ۲۰۱۸: ۲۸).

سیاست خارجی ایالات متحده تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ (۲۰۱۷-۲۰۲۱) به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن و تأکید زیاد آن بر قدرت سخت مورد توجه قرار گرفت. بسیاری باور داشتند که تغییر استراتژی خارجی تحت تأثیر شخصیت و سبک رهبری رئیس‌جمهور بوده است (آلمالا^۳، ۲۰۲۱: ۱). کنار گذاشتن توافق هسته‌ای با ج.ا.ایران

-
1. Abdiel
 2. Brechenmacher
 3. Al Malla

نشان‌دهنده غیرقابل پیش‌بینی بودن سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ است (گزارش استراتژیک سالانه^۱، ۲۰۱۹: ۱۳).

«استفان والت»^۲ استدلال می‌کند که نوستالژی ملی‌گرایانه (بزرگ کردن مجدد آمریکا) به ترامپ کمک کرد تا در انتخابات پیروز شود (وایت^۳، ۲۰۲۲: ۶). این مسئله پایه و اساس سیاست خارجی ترامپ به‌ویژه در مورد توافق هسته‌ای (برجام) بود. بر اساس تحقیقات «هرمان»^۴ ناسیونالیسم (یا تعصب درون‌گروهی) به‌عنوان یک باور شناختی و بی‌اعتمادی به دیگران، دو جنبه گسترده اقتدارگرایی است. زمانی که این صفات در سران کشورها آشکار می‌شود، این افراد معمولاً عبارات منفی شدیدی نسبت به دیگر کشورها به‌کار می‌برند و تمایلی به اختصاص منابع به روابط خارجی ندارند (وایت، ۲۰۲۲: ۷).

در نظرسنجی‌ها و ارزیابی‌های رسانه‌ای (سیلور، ۲۰۱۶)، منحصربه‌فرد بودن تاریخی ترامپ به‌عنوان نامزد جمهوری‌خواه ریاست جمهوری نه در ثروت بلکه در فقدان تجربه سیاسی است (هال و همکاران^۵، ۲۰۱۶: ۷۲). ترامپ ابتدا با استفاده از آمریکای پوپولیستی، اقدامات خود را توجیه نمود و از این طریق در قراردادهای بین‌المللی بازنگری کرد. از نظر او معاملات خارجی از قبیل برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به ضرر ایالات متحده آمریکا است (عبدیل، ۲۰۲۰: ۱۷).

رئیس‌جمهور آمریکا با کنار گذاشتن وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی خود که دیدگاه‌های متفاوتی درباره ایران و برجام داشتند، تلاش کرد تا نشان دهد تصمیم‌گیر اصلی در قبال ج.ا.ایران و به‌خصوص برجام خود اوست. بنابراین موضع ترامپ مبنی بر خروج از برجام به محاسبات شخصی وی وابسته است (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۲). از نظر ترامپ، به دلیل اینکه بازرسی‌های آژانس به اندازه کافی تهاجمی نبودند و بندهایی که

1. Strategic Annual Report

2. Stephen Walt

3. White

4. Hermann Ebbinghaus

5. Hall and et.al.

مشروعیت برنامه هسته‌ای آینده را فراهم کند، وجود نداشت، امروزه آمریکا کمتر ایمن است (کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان^۱، ۲۰۲۰).

شعار انتخاباتی دونالد ترامپ بر اساس «نخست آمریکا» تعبیه شده بود که به دستورکار ناسیونالیستی سیاست خارجی وی تبدیل شد (مصلی‌نژاد^۲، ۲۰۱۸: ۴۲). معیارهای تشخیص خودشیفتگی و رفتار ترامپ به هم مرتبط هستند. مثال‌های مختلف نشان‌دهنده این مسئله است که او «توانایی همدردی با دیگران را ندارد»، از خانواده خودش گرفته تا جمعیت تگزاس پس از طوفان هاروی؛ جایی که او بیشتر به اندازه جمعیت علاقه‌مند بود تا رنج مردم (پست و دوکت^۳، ۲۰۲۲: ۱۸۴). به‌طور کل، «او با استفاده از دستکاری‌های زبانی در کلمات و عبارات، تلاش کرد تا ایده‌ها و ایدئولوژی‌های زیربنایی دولت او که مخالف این معامله بودند را منتقل کند و شرایط ترک یا تغییر توافق را پدید آورد». تمام سخنرانی‌های او بر این ایده متمرکز بود که به دلیل اقدامات ج.ا.ایران و دستیابی به سلاح هسته‌ای، معامله درست نیست (آدرنگ و فرجی^۴، ۲۰۲۱: ۳۸).

۲-۴. نقش ریاست‌جمهوری در سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال ج.ا.ایران

نقش ایالات متحده آمریکا در جهان به شخصیت، هدف یا جهت کلی ایالات متحده، مشارکت در امور بین‌الملل و ارتباط کلی کشور با بقیه جهان اشاره دارد. این نقش را می‌توان به‌عنوان ایجاد زمینه کلی در نظر گرفت یا چارچوبی برای سیاست‌گذاران ایالات متحده برای توسعه، اجرا و اندازه‌گیری میزان موفقیت سیاست‌ها و اقدامات ایالات متحده در مورد مسائل خاص بین‌المللی و برای کشورهای خارجی یا ناظران دیگر برای تفسیر و درک اقدامات ایالات متحده در صحنه جهانی، تلقی کرد (رورک^۵، ۲۰۲۱: ۱).

نقشی که ساخت سیاسی آمریکا به رئیس‌جمهور این کشور داده از عوامل اساسی و تأثیرگذار در تفسیر ترامپ از وضعیت منافع حیاتی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و

1. House Foreign Affairs
2. Mossalanejad
3. Post and Doucette
4. Adarnng and Faraji
5. Rourke

به‌ویژه در دوره اوپاما است و سبب قبض و بسط سیاست خارجی او در قبال ج.ا.ایران می‌شود. از نظر ترامپ یکی از تهدیدات مهم ضد منافع حیاتی آمریکا، نادیده گرفته شدن منافع حیاتی این کشور در تعاملات اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی با سایر کشورهای جهان است. ریشه خروج ایالات متحده آمریکا از معاهدات بین‌المللی و توافق برجام به اصل موصوف برمی‌گردد (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۴). نقش ایالات متحده در جهان تحت مدیریت حکومت ترامپ دستخوش تغییر اساسی شد؛ این تغییر می‌تواند تأثیرات مهم و حتی عمیقی بر امنیت، آزادی و رفاه ایالات متحده داشته باشد (رورک، ۲۰۲۱: ۱).

از نظر ترامپ، دولت اوپاما در تعامل با کشورهای دیگر و سازمان‌های بین‌المللی منافع آمریکا را نادیده گرفته است و سهم آمریکا در موضوع ج.ا.ایران، باخت بود. در این زمینه، یکی از نقش‌های ایالات متحده به‌عنوان یک متعادل‌کننده فراساحل، این است که مانع از ایجاد یک هژمونی منطقه‌ای به‌ویژه توسط ج.ا.ایران شود. بر این اساس، بحران هسته‌ای ج.ا.ایران برخلاف منافع آمریکا در منطقه است، ولو اینکه صلح‌آمیز باشد. از این رو، ایالات متحده در منطقه برای متحدین خود اطمینان حاصل می‌کند که تلاش احتمالی ج.ا.ایران برای دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای متوقف شده است (تاگما و لنز، ۲۰۲۰: ۹۱ و ۹۳).

شعار «نخست آمریکا» از سوی ترامپ نیز حاکی از نقشی است که او در چارچوب مسئولیت خود در کاخ سفید از آن تبعیت می‌کند. در نگاه ترامپ، این شعار باید اصل محوری و چراغ راهنمای سیاست خارجی آمریکا باشد؛ از این جهت، متحدان سنتی آمریکا اهمیت و اولویت چندانی ندارند (گزارش استراتژیک سالانه، ۲۰۱۹: ۱۲).

بنا بر استدلال برخی از ناظران ساختار اول آمریکا، تأکید آن بر حاکمیت ملی به‌عنوان یک اصل اولیه و راهنمای سیاست خارجی ایالات متحده است. به‌گونه‌ای که سایر اقدامات و بیانیه‌های دولت آمریکا تأیید این دیدگاه است. در این رابطه، تعدادی از اقدامات مانند تصمیمات دولت برای خروج از برخی توافقنامه‌های بین‌المللی، به‌ویژه توافق هسته‌ای ج.ا.ایران را می‌توان در چارچوب این منطق ارزیابی کرد (رورک، ۲۰۲۱: ۶).

۳-۲-۴. ساخت اجتماع و وضعیت داخلی ایالات متحده آمریکا

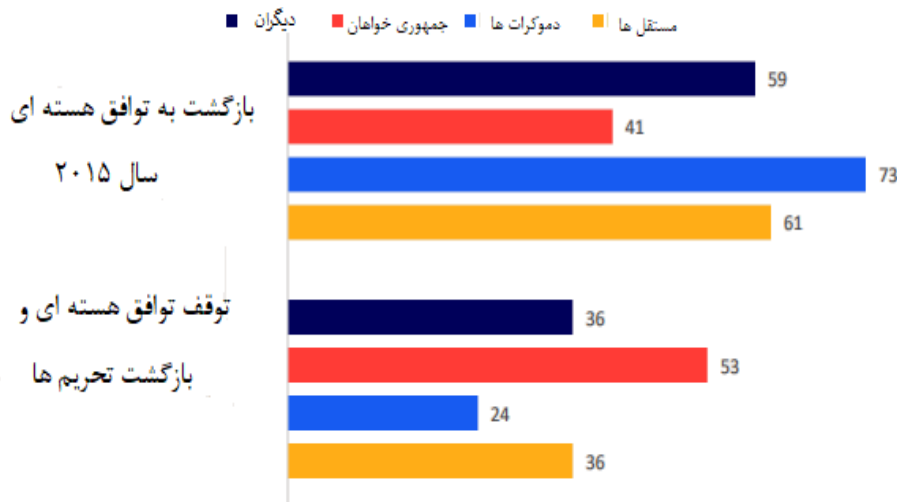
ماهیت و نوع نظام‌های سیاسی نیز نقش مهمی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی کشورها دارد؛ این موضوع تابعی از ایده‌ها و برداشت‌های غالب نخبگان است. بااین‌حال، سیاست خارجی تحت تأثیر ایده‌ها و انتظارات گروه‌ها، مؤسسات، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، جامعه مدنی، افکار عمومی و رسانه‌های کشورها قرار دارد. در فرایند سیاست خارجی، افراد مختلف، نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌ها همواره با ایده‌ها، ادراکات، انتظارات و نقش‌های مختلف در شرایط و نظام‌های سیاسی متفاوت سروکار دارند (کریمی‌فرد، ۲۰۲۱: ۲۵۸). نگاهی به تاریخ سیاست خارجی آمریکا می‌بین این واقعیت است که تأثیر عوامل و ذی‌نفعان داخلی غیرقابل کتمان است.

ترامپ را می‌توان به‌عنوان یک رهبر تهاجمی که به اتخاذ تصمیمات مخاطره‌آمیز تمایل دارد، در نظر گرفت؛ اگرچه او از عواقب آن آگاه است. انگیزه سیاست‌های ترامپ برای جلب حمایت سیاسی در میان گروه‌های ذی‌نفع یهودی-مسیحی بود (عبدیل، ۲۰۲۰: ۱۵)؛ تا آنجا که اعتقاد بر آن است که مهار ج.ا.ایران به شدت تحت تأثیر سیاست داخلی ایالات متحده و منافع گروه‌های لابی خاص این کشور قرار دارد. بنابراین در تحلیل صحیح خصومت بلندمدت ج.ا.ایران و ایالات متحده باید به‌وضوح نقش نیروهای سیاسی داخلی را در نظر گرفت (جوردت، ۲۰۰۲: ۲۲-۲۳).

از این منظر می‌توان استدلال کرد که برجام تحت‌الشعاع منافع استراتژیک و مشترک میان آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. همچنین، برخی اقدامات سیاسی می‌توانند با واکنش شدیدی مواجه شوند که به‌طور بالقوه بر ارزیابی‌های عمومی تأثیر می‌گذارند. یکی از اقدامات دونالد ترامپ، ممنوعیت مهاجرت مسلمانان از جمله ایرانی‌ها به آمریکا بود؛ از طریق اقدام اجرایی اتخاذ نمود. درحالی‌که جامعه داخلی آمریکا در نظرسنجی‌های مقطعی ناراضی‌های خود را اعلام کردند (کالینگ‌وود^۱، ۲۰۱۸: ۲۳).

علاوه بر این، بازیگران داخلی به‌ویژه احزاب سیاسی، نقاط دسترسی بیشتری برای تأثیرگذاری بر سیاست بین‌المللی نسبت به قبل دارند: آن‌ها می‌توانند دولت‌های ملی را دور بزنند و با ایجاد شبکه‌های فراملی و سایر تماس‌ها با گروه‌های همفکر خارج از کشور به اهداف خود برسند. مواضع احزاب سیاسی آمریکا در مسائل مختلف سیاست خارجی و اینکه چگونه چنین مواضع ایدئولوژیکی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی و امنیتی اهمیت دارد، قابل درک است (راونیو و واگنر^۱، ۲۰۲۰: ۵۱۵ و ۵۱۷).

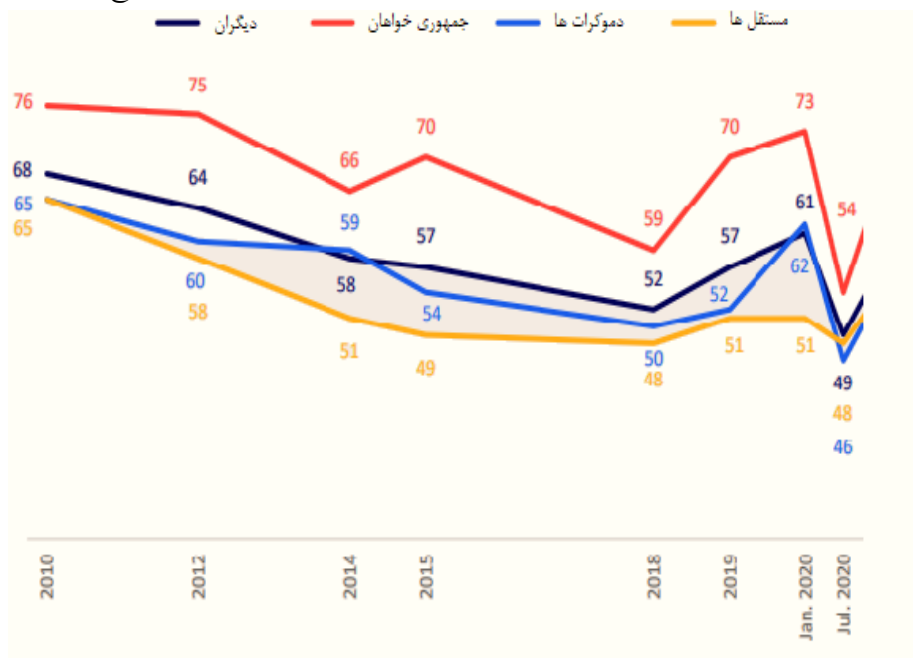
نمودار شماره ۱. دیدگاه‌های احزاب ایالات متحده آمریکا درباره بازگشت به توافق هسته‌ای



در این رابطه، احزاب مختلف نسبت به کیفیت تصمیم‌گیری آمریکا در قبال ج.ا.ایران دیدگاه‌های مختلفی داشته‌اند و جهان‌بینی آن‌ها نسبت به توافق هسته‌ای (برجام) از حدت و شدت برخوردار بوده است. با این وجود، سیاستمداران جمهوری خواه به‌طور یکسان از توافق اولیه هسته‌ای انتقاد کردند؛ آن‌ها ترجیح می‌دهند تا ترامپ سیاست «فشار حداکثری» با رویکرد تحریم علیه ج.ا.ایران را اعمال کند. در این راستا، اکثریت جمهوری خواهان به اتحاد کشورها فکر می‌کنند که باید از توافق با ج.ا.ایران کنار بمانند و به جای آن به تحریم‌ها علیه این کشور ادامه دهند؛ حتی اگر این بدان معنا باشد که ج.ا.ایران می‌تواند

ظرف چند ماه آینده به سلاح هسته‌ای دست یابد. این مواضع در نمودارهای (۱) و (۲) نشان داده شده است (اسملتز و سالیوان^۱، ۲۰۲۲: ۴).

نمودار شماره ۲. دیدگاه‌های احزاب ایالات متحده آمریکا درباره تهدید برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران



در این میان، چانه‌زنی مکرر میان نخبگان در اتاق‌های فکر و مؤسسات پژوهشی فعال در این کشور قابل توجه است. پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل امنیت بین‌الملل در سال‌های اخیر در اتاق‌های فکر و مؤسسات گوناگون پژوهشی آمریکا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بررسی و ارزیابی دقیق گزارش‌های سیاسی اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعاتی این کشور نشان‌دهنده آن است که خط فکری و سیاسی این مراکز پس از اعلام و اجرای توافق هسته‌ای از قواعد معین تبعیت کرده‌اند. به عنوان نمونه مؤسسه آتلانتیک (۲۰۱۷) طی گزارشی اعلام کرد که برجام با همه نقص‌ها توانست

نگرانی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران را برای سال‌ها رفع کند؛ اما نتوانست مانع فعالیت‌های تهاجمی ایران در خاورمیانه شود (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۶).

به نظر می‌رسد، سیاست‌های آمریکا در قبال ج.ا.ایران، به‌ویژه سیاست خارجی دونالد ترامپ تحت تأثیر این مؤسسات و اتاق‌های فکر بوده؛ اما شواهدی هم وجود دارد که ترامپ همیشه به نظرات و پیشنهادهای آن‌ها توجه نکرده است. در این رابطه، «مؤسسه رند»^۱ به ترامپ توصیه کرده که چنانچه مایل به ظهور کره شمالی دیگری نیست، توافق هسته‌ای ایران را به‌طور کامل حفظ کند.

در نقطه مقابل، «مرکز مطالعاتی امنیت نوین آمریکا»^۲ در گزارش خود پیش از اعلام خروج رئیس‌جمهور آمریکا از برجام، به ترامپ توصیه کرد که آمریکا باید ایده خارج شدن از توافق برجام را کنار بگذارد و به‌جای آن درصدد اندیشیدن راهبردی بلندمدت به‌منظور تحت نظر درآوردن ایران باشد (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۷).

به‌طور کلی، استدلال می‌گردد که سیاست خارجی دونالد ترامپ، از نظر روابط تجاری و سیاسی شخصی خود، صرف‌نظر از تقاضای گسترده‌تر جامعه داخلی عمل کرد (پاستورکوا^۳، ۲۰۱۹: ۱). اگرچه به برخی از تقاضاهای داخلی پاسخ داده شد؛ اما باید توجه داشت که این دسته از گروه، به نظر می‌رسد که منتسب یا حامیان حزب جمهوری‌خواه هستند و قابل تعمیم به کل جامعه نیستند.

۴-۲-۴. ساخت سیاسی و حکومتی ایالات متحده آمریکا

تأثیر ساختار سیاسی آمریکا بر سیاست خارجی این کشور ازجمله سیاست خارجی ترامپ از پیچیدگی خاصی برخوردار است. به لحاظ ساخت رسمی، قوه مجریه و قوه مقننه دو نهاد رسمی هستند که قانون اساسی ایالات متحده تعیین سیاست‌های خارجی را به‌عهده آن‌ها قرار داده است. نوع رابطه رهبران و مسئولان رده‌های گوناگون ساختار قوه مجریه، شدت و حدت تأثیرگذاری این قوه و میزان اثرگذاری آن را در خط‌مشی و سیاست نهایی تعیین می‌کند. با نگاهی به مقامات بخش‌های مختلف کاخ سفید، این نتیجه به‌دست می‌آید

1. RAND

2. Center for a New American Security (CNAS)

3. Pastorková

که موضع دولت آمریکا درباره ج.ا.ایران سخت‌گیرانه است (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۷).

رئیس‌جمهور باید قوانین خاصی را که او مایل است نامعتبر بماند را شناسایی کند. رهبران مجالس نمایندگان و سنا باید اطمینان حاصل کنند که به اندازه کافی رأی برای باطل کردن قوانینی که رئیس‌جمهور به آن اعتراض دارد، وجود دارد. در نیمه اول سال ۲۰۱۷م، دولت ترامپ و کنگره برای حذف قوانین غیرقانونی یا غیرعقلانه اقدام کردند (لارکین^۱، ۲۰۱۸: ۵۰۵).

در آغاز، دولت ترامپ اهداف قانون‌گذاری جاه‌طلبانه‌ای مانند لغو و جایگزینی قوانین تصویب‌شده اوباما را داشت که چالش‌های حاکمیتی پدید آورد (بایرز و کارسون^۲، ۲۰۱۷: ۵۰۵). به‌گونه‌ای که در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۸م. رئیس‌جمهور اعلام کرد که به لغو تحریم‌های مرتبط با برجام در مهلت انقضای بعدی (۱۲ می) ادامه نخواهد داد مگر اینکه ضعف‌های برجام توسط کنگره برطرف شود (کاتزمن، ۲۰۲۱: ۲۱). وی این تصمیم را با توجه به سیاست «نخست آمریکا» توجیه و بر ناعادلانه بودن توافق تأکید کرد (پاستورکووا، ۲۰۱۹: ۷).

درواقع، دولت ترامپ تهاجم غیرمعمولی در استفاده از مجموعه‌ای از ابزارها مانند قانون بازنگری کنگره و تعلیق نهایی آئین‌نامه برای خنثی کردن میراث نظارتی دولت اوباما در پیش گرفت. به‌طوری‌که، چهارده قطعنامه قانون بررسی کنگره برای رد (و در نتیجه لغو) مقررات دوره اوباما را امضا کرد. این اقدامات را می‌توان بخشی از رویکرد هنجارشکن به سیاست نظارتی دولت اوباما دانست که تحت آن دستورات قانونی را نادیده گرفت و نتوانست مطابق با الزامات رویه‌ای عمل کند. موضوعی که نشان‌دهنده عدم احترام دولت ترامپ به حاکمیت قانون و انحراف از قوانین اداری است (دیویس نول و ریوز^۳، ۲۰۲۲: ۲۰۲۲).

1. Larkin

2. Byers and Carson

3. Davis Noll and Revesz

۱۱۰۰-۱۱۰۲). این مسئله به عرصه‌ای برای پیدایش تخلفات رویه‌ای و قانونی دولت ترامپ تعیین یافت.

زمانی که دونالد ترامپ درصدد فرمان تغییر بود، در داخل قوه مجریه نیز اقدامات او با مقاومت قابل توجهی مواجه شد (اشتراوس^۱، ۲۰۱۹: ۴۳۹). این تصمیم یک بحث داخلی در دولت ایجاد کرد که «جان بولتون»^۲، مشاور امنیت ملی و سایرین در کاخ سفید را در مقابل مقامات وزارت خارجه قرار داد که طرفدار حفظ همه معافیت‌ها بودند. تندروهای کنگره از جمله سناتور جمهوری‌خواه «تد کروز»^۳ از تگزاس و سناتور «تام کاتن»^۴ از آرکانزاس، دولت را تحت فشار قرار داده بودند تا تمام معافیت‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران را لغو کند؛ اما قانون‌گذاران دیگر معتقد بودند که معافیت‌ها بخشی از توافقی است که ایالات متحده از آن خارج شده است (لوس و ویلیامز^۵، ۲۰۱۹).

همچنین ترامپ در واکنش به تحرکات ج.ا.ایران اعلام کرد که اختیارات گسترده‌ای در زمینه استفاده از نیروی نظامی به‌طور یک‌جانبه دارد که می‌تواند بدون تأیید کنگره باشد. در این زمینه، ترامپ این پیام را در توییتر منتشر کرد: «من به نیروی دریایی ایالات متحده دستور داده‌ام که در صورت ایجاد مزاحمت برای کشتی‌های ما، تمامی قایق‌های توپ‌دار دریایی ایرانی را ساقط و نابود کنند» (کاتزمن، ۲۰۲۰: ۱۲).

در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰م. دونالد ترامپ علیه ج.ا.ایران اقدام نظامی انجام داد؛ مهم‌ترین آن حمله ۳ ژانویه ۲۰۲۰م. بود که به شهادت سردار قاسم سلیمانی منجر شد. «پمپئو»^۶، وزیر خارجه دولت ترامپ در سخنرانی ژانویه ۲۰۲۰م. در مؤسسه «هوور»^۷ دانشگاه استنفورد اظهار داشت که یکی از دلایل منطقی حمله به سردار سلیمانی بازگرداندن بازدارندگی علیه ج.ا.ایران بود. در حمله تلافی‌جویانه، ج.ا.ایران به پایگاه «عین‌الاسد» در عراق حمله کرد (کاتزمن، ۲۰۲۱: ۲۶).

1. Strauss

2. John Bolton

3. Ted Cruz

4. Thomas Bryant Cotton

5. Luce and Williams

6. Michael Richard Pompeo

7. Hoover Institution

همچنین نیویورک‌تایمز گزارش داد که ترامپ با معاون رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، سرپرست دفاع و رئیس ستاد مشترک در مورد حمله به تأسیسات نطنز ج.ا.ایران گفتگو کردند. ترس از این حرکت که می‌توانست به تشدید نظامی بیشتر تنش‌ها با ج.ا.ایران منجر شود، سبب گردید تا مشاوران به شدت در مورد چنین اقدامی با رئیس‌جمهور مخالفت کنند (آلمالا، ۲۰۲۱: ۱).

اگرچه ترامپ چندین مرتبه از تغییر نظام ج.ا.ایران حمایت کرد؛ اما به برانگیختن شورش داخلی و نه مداخله خارجی علاقه‌مند بود. او اظهار داشت که تنها نگرانی‌اش این است که ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد، درحالی‌که در همان زمان تهدید به «نابودی» ایران می‌کرد. حتی ترامپ تأکید می‌کند که مایل است با دولت کنونی ج.ا.ایران صحبت کند؛ اما دستیاران ارشد او بیانیه‌های متعددی در حمایت از تغییر نظام صادر می‌کنند (ووگت و جلیلوند، ۲۰۱۹: ۲۲).

وی با درک حساسیت موضوع، بولتون را بدون تشریفات حذف کرد تا خواسته‌های مداخلانه‌جویانه در سیاست خارجی وی، تأثیرگذار نباشد؛ البته این بدان معنا نیست که ترامپ از تغییر نظام در ایران حمایت نمی‌کند، بلکه او حاضر نیست که نیروهای آمریکایی را به مداخله نظامی در ایران متعهد کند (میرزا و نایب، ۲۰۲۰: ۳۱۱-۳۱۲).

اعضای کنگره به طرق مختلف به تنش‌ها با ج.ا.ایران و موارد مرتبط با مسائل مربوط به مجوز استفاده از نیروی نظامی در ژوئن ۲۰۱۹م، در بحبوحه حملات علیه نفت‌کش‌ها در خلیج عمان و سرنگونی یک پهپاد نظامی آمریکایی توسط ایران واکنش نشان داده‌اند. برخی از اعضا نسبت به توجیه قانونی عملیات نظامی در داخل یا علیه ایران ابراز نگرانی کردند. به‌عنوان مثال، سناتور «برنی سندرز»^۲ در ۲۲ ژوئن در مورد مفهوم «اعتصاب محدود» تردید کرد: «[حمله به] کشوری دیگر با بمب... این یک عمل جنگی است». حمله به ج.ا.ایران از نظر او «غیر قانون اساسی» خواهد بود (کاتزمن، ۲۰۲۰: ۱۹).

بااین وجود، ترامپ اعتقاد داشت: «من دوست دارم آن‌ها [کنگره] را در کنارم نگه دارم؛ اما از نظر قانونی مجبور نیستم این کار را انجام دهم» (کاترمن، ۲۰۲۰: ۱۲).
تأثیر این روند بر ریاست جمهوری بسیار مهم‌تر است؛ زیرا رؤسای جمهور به دولت اداری به‌عنوان مکانیزم اصلی جهت‌دهی به اهداف سیاسی خود تکیه کرده‌اند تا اهداف خود را از طریق کنگره انجام دهند؛ سپس به شکلی طولانی‌تر و بوروکراتیک‌تر از سیاست‌گذاری روی آورده‌اند که به انتشار قوانین از طریق سازمان‌های اجرایی منجر می‌شد (دیویس نول و ریوز، ۲۰۲۲: ۱۱۰۴).

از مطالب بالا چنین دریافت می‌شود که ساختار سیاسی آمریکا، تحت تأثیر ویژگی‌های فردی ترامپ قرار گرفته که به عرصه‌ای برای شکاف ساختاری تعیین یافت.

۵-۲-۴. تأثیر نظام بین‌الملل در سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال ج.ا.ایران

نظام بین‌الملل و عوامل سیستمیک، یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت ترامپ است. آن‌گونه که نوواقع‌گرایان طرح می‌کنند، نظام بین‌الملل در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل نقش اصلی دارد.

هزینه‌های نظامی این کشور بیش از ۷۵ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان است و ۶۶ درصد تولید ناخالص جهان در اختیار آمریکا است (یزدانفام، ۱۳۹۵: ۱۴۶). ظهور «دکترین ترامپ» مخالف سنت انترناسیونالیسم لیبرال با اجتناب از تعهدات چندجانبه و کم‌اهمیت جلوه دادن ارزش‌های لیبرال بوده است (سینکونن^۱، ۲۰۱۸: ۴).

او خواستار رهایی ایالات متحده آمریکا از زیر بار رهبری جهانی شد؛ بنابراین، نگرشی پدید آمد که در آن شرکای آمریکا باید بار مالی را متحمل شوند (برندا^۲، ۲۰۱۸: ۱۶۲). ازاین‌رو، استدلال می‌شود که انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۲۰۱۶م. یک همه‌پرسی در مورد آینده تعهد آمریکا به استراتژی بزرگ «تعامل عمیق» یا «هژمونی لیبرال» مورد علاقه انترناسیونالیست‌های لیبرال است (سینکونن، ۲۰۱۸: ۷).

در اینکه نقش مؤثر و محدودکننده ساختار نظام بین‌المللی برخی از سیاست‌های ترامپ را مورد تعدیل قرار داده، شک و تردیدی نیست (شاه‌محمدی و همکاران، ۲۰۱۹: ۳)؛ اما از زمان روی کار آمدن دولت ترامپ، سیاست اصلی وی، رویارویی با سایر بخش‌های جهان بوده و کمتر به نظم بین‌المللی توجه داشته است (گزارش استراتژیک سالانه، ۲۰۱۹: ۱۱). تا آنجا که در یک موضع تئوریک در میان ایالات متحده، لیبرال‌ها معتقد بودند که ترامپ مفروضات نظم بین‌المللی لیبرال را به چالش می‌کشد (شاه‌محمدی و همکاران، ۲۰۱۹: ۸).

موضع اساسی دولت ترامپ در سیاست خارجی، بازسازی ساختار روابط خارجی است؛ به گونه‌ای که منافع آمریکا بر اساس رویکرد قدرت و فشار به منظور حفظ موقعیت قوی‌تر، تأمین شود (گزارش استراتژیک سالانه، ۲۰۱۹: ۱۲). در روابط میان ساختار نظام بین‌الملل، ج.ا.ایران از توافق هسته‌ای پیروی می‌کرد؛ این امر توسط سازمان‌های بی‌طرفی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز تأیید شد. علی‌رغم خروج ترامپ از توافق، ج.ا.ایران بر تعهدات ناشی از توافق پایبند بود؛ این موضوع نشان‌دهنده دو امر مهم است:

❖ اجرای تعهدات توسط ج.ا.ایران؛

❖ ایالات متحده دیگر منبع قابل‌اعتمادی نیست که بتوان با آن مذاکره کرد؛ زیرا

در توافق چندجانبه نمی‌تواند پایبندی خود را حفظ کند (اصغر، ۲۰۱۹: ۴۵).

رویکرد ترامپ به نظام بین‌الملل نیز تراکشنی است؛ به این معنا که او به‌طور متناوب از مضامین انزوای طلبی استفاده می‌کند. این ادغام ترامپی از سیاست خارجی آمریکا را می‌توان «رنالیسم معامله‌گرانه با مضامین تمدنی» نامید. با گرایش به این رویکرد در عرصه بین‌الملل، ترامپ و دولت او در خطر اجتناب از اهمیت روابط اجتماعی قرار دارند (سینکون، ۲۰۱۸: ۲).

فرمان اجرایی ترامپ برای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۸ م. نشان می‌دهد که همکاری با جامعه جهانی کاهش یافته است. جیوه و ماهیت غیرقابل پیش‌بینی سیاست‌گذاری رئیس‌جمهور ترامپ باعث به چالش کشیدن دولت‌های اتحادیه اروپا برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ایالات متحده شده است (مصلی‌نژاد، ۲۰۱۸:

۲۸). به اعتقاد ترامپ توافق هسته‌ای، بدترین توافقی است که در تاریخ ایالات متحده انجام شده است. بااین‌حال، اظهارات و اقدامات ترامپ نمی‌توانست مانع از توافق هسته‌ای شود؛ زیرا یک توافق یک‌جانبه نبود، بلکه یک توافق چندجانبه شامل پنج کشور دیگر یعنی آلمان، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا بود (خان و زمان، ۲۰۱۸: ۶۶).

در چند دهه گذشته، اختلافات ترامپ و اروپا، تنش‌ها و شکاف‌های قابل‌توجهی را در روابط ترانس آتلانتیک ایجاد کرده است؛ تحت تأثیر این اصول، سیاست خارجی ترامپ به اختلافات جدید در برخی از مهم‌ترین مسائل بین‌المللی که پیش‌تر مورد توافق ایالات متحده و اروپا بود، منجر گردید. به‌عنوان مثال، علی‌رغم اصرار اروپا بر حفظ توافق هسته‌ای با ایران، ایالات متحده از آن خارج شد و در این زمینه، فشار زیادی را بر متحدان اروپایی وارد کرد (میری و عمرانی^۱، ۲۰۲۲: ۲۲۷).

در فوریه ۲۰۱۹م در کنفرانسی در لهستان، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده «مایک پنس»^۲ به شدت از «ابزار حمایت از مبادلات تجاری (اینستکس)»^۳ انتقاد کرد و آن را «یک گام نادرست» خواند که علاوه بر تقویت ج.ا.ایران، به تضعیف اتحادیه اروپا و ایجاد فاصله بیشتر بین اروپا و ایالات متحده آمریکا منجر می‌شود (ووگت و جلیلونند، ۲۰۱۹: ۲۳-۲۴). موارد فوق نشان‌دهنده عدم تعیین‌پذیری آمریکا از ساختار بین‌الملل در مواجهه با ج.ا.ایران است. این موضوع مؤید این مطلب است که ساختار نظام بین‌الملل، کمترین و ویژگی‌های فردگرایانه و حکومتی بیشترین اثرگذاری را بر عرصه سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ دارند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله کیفیت تصمیم‌گیری حزب جمهوری‌خواه آمریکا نسبت به ج.ا.ایران در دولت ترامپ مورد بررسی قرار گرفت. روابط خصمانه ایران و آمریکا در عرصه سیاست خارجی،

1. Miri and Omrani

2. Michael Richard Mike Pence

۳. اینستکس (INSTEX) یک ابزار ویژه مالی است که در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹م. توسط آلمان، فرانسه و بریتانیا برای

تسهیل تجارت غیردلاری با ج.ا.ایران ایجاد شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد؛ به‌موجب آن محاصره و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا طی بیش از ۴۴ سال گذشته تداوم یافت و به دفعات نیز شاهد افزایش آن بودیم. تحریم‌ها به‌تدریج به یک رژیم تحریمی سخت تبدیل شدند که ابعاد مختلف امور مالی، تجارت و انرژی را از یک‌سو و نهادها و افراد را از سوی دیگر، هدف قرار دادند.

با ورود دونالد ترامپ بر مسند ریاست‌جمهوری، عرصه درگیری میان دو کشور آمریکا و ایران گسترش یافت. با ورود او به ریاست‌جمهوری، گروه ناهمگونی از افرادی که می‌توانند آرزوها و ناراضیاتی‌های خود را فرافکنی کنند، در اولویت قرار گرفتند. در اغلب موارد، اظهارات و اقدامات متضاد ترامپ سبب گردید تا برخی وی را یک واقع‌گرا در سیاست خارجی یا یک انزواطلب ملی‌گرا در نظر بگیرند. برای دیگران، او عاری از اخلاق و یک رهبر ناتوان است که قادر به انجام وظایف و مسئولیت‌هایی که به او محول شده است، نیست. ترامپ با نگاهی تهاجمی به جامعه بین‌الملل، سیاست خارجی بسیاری از کشورها حتی کشورهای متحد را بسیار خطرناک و تهدیدکننده برای امنیت و اقتصاد ایالات متحده تلقی می‌کرد. بنابراین، تصمیمات ویرانگر سیاست خارجی ترامپ برای خروج از موافقت‌نامه‌ها، مداخله‌گرایی غیرمسئولانه با اولویت رفاه آمریکا، همراه با دیگر سیاست‌های خارجی یک‌جانبه و تهاجمی او رخ داده است.

عوامل و مؤلفه‌های مختلفی بر کیفیت تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی ترامپ تأثیرگذار بوده است. بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا، متغیرهای محیطی (ساختاری)، اجتماعی و نقشی منابع نسبتاً پایداری هستند. با توجه به رویکرد ترامپ و نحوه عملکرد وی در عرصه سیاست خارجی آمریکا این دیدگاه تقویت شده است؛ اما متغیر فردی به دلیل ویژگی‌های بی‌نظیر ترامپ، دستخوش یک تغییر چشمگیر شد و مستقیماً بر نهادهای بوروکراتیک سیاست خارجی تأثیر گذاشت و توانست کلیه متغیرهای فوق را تحت‌الشعاع قرار دهد.

این موارد نمونه‌هایی از تأثیرگذاری دو سطح داخلی و خارجی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ج.ا.ایران بود. با توجه به اینکه تبیین محیط

تصمیم‌گیری خارجی ایالات متحده آمریکا در دولت ترامپ و درک تغییر و تحول تقابلات و راهبردهای این کشور در قبال ج.ا.ایران، هدف اصلی مقاله حاضر بود، می‌توان استدلال کرد که مدل پیوستگی جیمز روزنا در قالب پنج متغیر فرد، نقش، حکومت، اجتماع و نظام بین‌الملل، توانست بر نوع نگاه و تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تأثیرگذار باشد.

تأثیر این پنج متغیر در عرصه سیاست خارجی آمریکا یکسان نبود و یک یا چند عامل نقش برجسته‌تری نسبت به سایر متغیرها داشتند؛ به‌گونه‌ای که علی‌رغم ادعای متفکران نوواقع‌گرا مبنی بر تأثیر ساختار بین‌الملل بر دولت‌ها، جنبه فردی و بوروکراسی حکومتی آمریکا در تقابل با ج.ا.ایران تأثیر بیشتری داشت و باعث خروج آمریکا از توافق هسته‌ای گردید. چنین رویدادی این مفهوم را در اذهان بین‌المللی مصادره نمود که جهان شاهد بی‌نظمی بین‌المللی شده است. موضوعی که اغلب توسط جامعه بین‌المللی مورد انتقاد واقع شد؛ اما ترامپ در ایجاد چنین سیاستی که تحت تأثیر ابعاد شخصی او بود، اصرار داشت.

در سطح داخلی نیز متغیرهای نقش، اجتماع و ساخت سیاسی تا آنجا که گرایش‌های فردی ترامپ را تقویت می‌کردند، به‌مثابه عناصر تأثیرگذار بر عرصه سیاست خارجی تلقی می‌شوند. در این زمینه، با توجه به تسلط حزب جمهوری‌خواه، عمدتاً افراد منتسب به این حزب توفیق یافتند و برخلاف کنگره و افکار عمومی دست به اقداماتی علیه ج.ا.ایران می‌زدند و ایالات متحده را با چالش‌های ساختاری و حکومتی مواجه می‌کردند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکردهای یک‌جانبه، تهاجمی و سودمند ترامپ بر ارزش‌ها و منافع ملی آمریکایی، به‌عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر خط‌مشی مدیریت خارجی وی شناخته می‌شوند و سبک رهبری و رفتار سیاسی وی، به الگوی سیاست خارجی ایالات متحده کمک کرده است.

منابع

الف - فارسی

- کوشکی، محمدصادق؛ شفیعی، اسماعیل؛ و غضنفری، عزیز (۱۳۹۸). «خروج آمریکا از برجام و مقابله با راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۷(۱۵)، ۳۲۲-۳۴۸.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، ۱۹(۷۴)، ۱۶۴-۱۳۹.

ب - انگلیسی

- Abbasi Khoshkar, Amir (2021). "From Strategic Similarity to Tactical Differences: Iran and the 2020 US Presidential Election", *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12(1).
- Abdiel, Kenny Setya (2020). "Individual Foreign Policy Analysis of Donald Trump: A Case Study of the US Embassy relocation to Jerusalem", *Jurnal Hubungan Internasional*, 9(1).
- Adarnig, Danial and Faraji, Nikan (2021). "A Critical Discourse Analysis of Trump's Speech Regarding Iran's Nuclear Deal on the Basis of Van Leewen's Socio-semantic Model", *International Journal of Social Sciences*, 11(4).
- Al Malla, Houssein A. (2021). "Personality and Foreign Policy: Can Leadership Trait Analysis explain Trump's Iran Decisions?", *Social Science Research Network*.
- Alcaro, R. (2018). "All is not quiet on the Western front trump's Iran policy and Europe's choice on the nuclear deal", Working Paper No (07), *Institute of foreign affairs*.
- Asghar, Mariam Javed (2019). "US Foreign Policy towards Iran under Obama and Trump Administration", *IUB Journal of Social Sciences*, 1(2).
- Branda, O. (2018). "Changes in the American foreign policy: from Obama to Trump", *International Conference Knowledge-Based Organization*, 24(2).
- Brechenmacher, Saskia (2018). "Comparing Democratic Distress in the United States and Europe", *Carnegie Endowment for International Peace*.
- Breuning, Marijke (2022). "Investigating Leaders: Integrating the Study of Individuals in Foreign Policy Analysis and International Relations", *teoria polityki* 6.

- Byers, Jason S. and Carson, Jamie L. (2017). "Trump and the Republican Congress: The Challenges of Governing", *The Forum*, 15(3).
- Collingwood, Loren et al (2018). "A Change of Heart? Why Individual-Level Public Opinion Shifted Against Trump's "Muslim Ban", *Polit Behav.*
- Davis Noll, bethany A. and Revesz, Richard L. (2022). "Presidential Transitions: The New Rules", *Yale Journal on Regulation*, 39.
- Dugis, Vinsensio (2008). "Explaining Foreign Policy Change", *Journal Unair.*
- Gül, Murat (2011). "The concept of change and James N. Rosenau: Still international relations?", *African Journal of Political Science*, 5(6), pp. 1-9.
- Hall, Kira and et.al. (2016). "The hands of Donald Trump: Entertainment, gesture, spectacle", *Hau: Journal of Ethnographic Theory*, 6(2).
- Hassanpour Dehnavi, Hossein and et.al (2021). "The Study of James Rosenau's Affiliation Theory with an Emphasis on the Role of Individual and International System Variables in the Analysis of Regionalism in the Second Pahlavi and Islamic Republic of Iran", *Propósitos y Representaciones*, 9, pp. 3-12.
- House Foreign Affairs (2020). "The Trump Administration's Foreign Policy: A Mid-Term Assessment", *Committee on Foreign Affairs.*
- Jordet, Nils (2002). "Explaining the Long-term Hostility between the United States and Iran: A Historical, Theoretical and Methodological Framework", *The Fletcher School of Law and Diplomacy Tufts University*, pp. 1-55.
- Karimifard, Hossain (2021). "Explaining Iran's Foreign Policy: Ideas, Expectations and Structures (2013-2021)", *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12(1).
- Katzman, K. (2019). "Iran: Internal Politics and US Policy and Options", *Congressional Research Service, Washington, DC.*
- Katzman, Kenneth and et.al (2020). "U.S.-Iran Conflict and Implications for U.S. Policy", *Congressional Research Service.*
- Katzman, Kenneth and et.al (2021). "Possible U.S. Return to Iran Nuclear Agreement: Frequently Asked Questions", *Congressional Research Service.*
- Kemal Öke, Mim and Yazıcı Hanefi (2020). *Ultra-Nationalist Policies of Trump and Reflections in the World*, Peter Lang GmbH.
- Khalaf, Athbi Zaid (2020). "American attitude towards Iran and its reflection on Iran policy towards the Arab region", *Review of Economics and Political Science.*

- Khan, Arif and Zaman, Nargis (2018). "Trump Policy Towards Iran: Challenges and Implications", *Pakistan Journal of Humanities & Social Science Research*, 1(1).
- Larkin, Paul J. (2018). "The Trump Administration and the Congressional Review Act", *The Georgetown Journal of Law & Public Policy*, 16.
- Luce, Dan De and Williams, Abigail (2019). "Trump admin slaps new restrictions on Iran's nuclear activities", available: <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/trump-admin-slaps-new-restrictions-iran-s-nuclear-activities-n1001861>.
- Marleku, Alfred (2013). "Small States Foreign Policy: The Case of Kosovo", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(2), pp. 79-97.
- Miri, Seyed Mehdi and Omrani, Ali (2022). "The impact of Joe Biden's rise to power on the US transatlantic foreign policy", *Revista Cimexus*, 1(1).
- Mirza, Muhammad Nadeem and Nayab, Ayesha (2020). "US Policy of Regime Change: Interplay of Systemic Constraints, Leaders' Perceptions, and Domestic Pressures", *Global Social Sciences Review*, 5(3).
- Mossalanejad, Abbas (2018). "The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy", *Geopolitics Quarterly*, 13(4).
- Nazareth, Kimberley Anne (2019). Trump's Policy Towards Iran, World Affairs", *The Journal of International Issues*, 23(2).
- Pastorková, Sabrina (2019). Foreign policy of Trump's administration: Withdrawal from the Paris Accord through the lens of two-level game theory, Praha, Diplomová práce, Univerzita Karlova.
- Post, Jerrold and Doucette, Stephanie (2022). "Dangerous charisma: The political psychology of Donald Trump and his followers", *Scientia Militaria*, 50(2).
- Raunio, tapio and wagner, wolfgang (2020). "The Party Politics of Foreign and Security Policy", *Foreign Policy Analysis* 16.
- Rosenau, James (2006). *The Study of World Politics: Theoretical and Methodological Challenge*, New York: Routledge.
- Rosenau, James (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*, New York: The Free Press.
- Rourke, Ronald O (2021). "U.S. Role in the World: Background and Issues for Congress", *Congressional Research Service*, R44891.
- Senadeera, Mahesh (2023). "Theory and concept foreign policy", available: https://www.researchgate.net/publication/370580827_Theory_and_concept_foreign_policy/link/645684594af7887352613189/download.

- Shahmohammadi, Yosef and et.al (2019). "The Role of Obama and Trump's Foreign Policy on International System Structure", *International Journal of Political Science*, 19(4).
- Sinkkonen, ville (2018). "Contextualizing the Trump Doctrine", *FIIA analysis situates*.
- Smeltz, Dina and Sullivan, Emily (2022). "Americans Support a US Return to Iran Deal", *The Chicago Council on Global Affairs*.
- Strategic Annual Report (2019). "The Trump Administration's Foreign Policy – Impacts of Changes in the United States", available:
https://www.jiia.or.jp/en/strategic_comment/2020/03/PDF/JIIA-Strategic%20Annual%20Report-2019-03-The%20Trump%20Administration_s%20Foreign%20Policy_Impacts%20of%20Changes%20in%20the%20United%20States.
- Strauss, Peter L. (2019). "The Trump administration and the rule of law", *Revue française d'administration publique*, No .170.
- Tagma, Halit M. E. and Paul E. Lenze, Jr. (2020). *Understanding and Explaining the Iranian Nuclear 'Crisis': Theoretical Approaches*, Lexington Books.
- Thies, Cameron G (2009). "Role Theory and Foreign Policy, International Studies Association Compendium Project", *Foreign Policy Analysis section*, pp. 1-44.
- Thomas, Clayton (2023). "Iran: Background and U.S. Policy", *Congressional Research Service*, R47321.
- Vogt, Achim and Jalilvand, David (2019). "One Year After the Re-imposition of Sanctions: Perspectives on the Strategic Implications of the US "maximum Pressure" Campaign Against Iran", *Friedrich-Ebrt-Stiftung*, pp. 1-30.
- White, Abigail (2022). "Profiling the President: explaining Donald Trump's nationalistic foreign policy decisions using Leadership Trait Analysis and Operational Code Analysis, Contemporary Voices", *St Andrews Journal of International Relations*, 1(1), pp.5-48.

